

## سیره معصوم به مثابه منبع تشریح

مهدی مردانی گلستانی<sup>۱</sup>

### چکیده

بر پایه احادیث شیعه، سیره معصوم در عرصه‌های گوناگونی از جمله در عرصه تشریح کارایی دارد. در این عرصه، سیره برای شناخت احکام شرعی مورد استفاده قرار گرفته و موجب تبیین تعالیم فقهی می‌شود. در این راستا، اهل بیت علیهم‌السلام از این ظرفیت دینی بهره برده و با استناد به سیره معصوم، به سؤالات شرعی اصحاب پاسخ داده‌اند. اما مسئله‌ای که در این میان مطرح می‌شود، این است که آیا سیره همچون سنت در تراز یک منبع مستقل نقش ایفا می‌کند یا اینکه تنها در برخی مصادیق فقهی کارایی دارد؟ برای پاسخ به این مسئله باید همه مصادیق فقهی سیره معصوم بررسی شده و میزان کارایی آن به عنوان یک منبع تشریح ارزیابی شود. مقاله پیش رو کوشیده است با تکیه بر احادیث شیعه و تحلیل شیوه مواجهه اهل بیت علیهم‌السلام، به تبیین جایگاه سیره معصوم در تشریح بپردازد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که سیره در نگاه اهل بیت علیهم‌السلام، به عنوان یکی از مصادر تشریح شناخته شده و نقش مؤثری در تبیین آموزه‌های فقهی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** سیره اهل بیت علیهم‌السلام، کارکرد فقهی، مصدر تشریح.

۱. استادیار پژوهشکده علوم اسلامی رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.  
mahdi\_mardani@islamic-rf.ir

## مقدمه

بر پایه گزاره‌های حدیثی شیعه، سیره معصوم<sup>۱</sup> دست‌کم در سه عرصه تحکیم، تأسی و تشریح کارایی دارد. منظور از تحکیم نقشی است که سیره معصوم در سنجش شایستگی افراد ایفا می‌کند (کشی، ۱۴۰۹: ۱۶۴). مقصود از تأسی نیز تأثیری است که سیره در الگوگیری و پیروی از زندگی معصوم دارد (کلینی، ۱۳۶۳: ۷۴/۲) و مراد از تشریح، کارایی سیره معصوم در وضع قوانین و احکام شرعی است (کراجکی، ۱۴۱۰: ۳۵۲/۱). در این میان، کارکرد تشریحی سیره معصوم از جمله موضوعات مهمی است که به علت صبغه تاریخی مباحث سیره، چنان‌که باید، مورد اهتمام محققان شیعه قرار نگرفته است. از این رو شایسته است تا با طرح پرسش‌ها و چالش‌های اساسی، ابعاد و زوایای مختلف این کارکرد دینی مورد بررسی و مذاقه علمی قرار گیرد.

یکی از مسائل مهم پژوهشی درباره کارکرد تشریحی سیره، میزان کارایی سیره در تبیین احکام شرعی و ضریب تأثیر آن در میان مصادر تشریح است؛ چراکه براساس داده‌های احادیث شیعه، اهل بیت علیهم‌السلام با استناد به سیره معصوم به بیان احکام شرعی پرداخته و با ارجاع به آن به سؤالات شرعی اصحاب خود پاسخ گفته‌اند. از این رو این سؤال اساسی مطرح می‌شود که آیا سیره همچون سنت در تراز یک منبع مستقل نقش ایفا می‌کند<sup>۲</sup> یا اینکه تنها به صورت موردی موجب تبیین آموزه‌های فقهی می‌شود؟ به عبارت دیگر، آیا استنادات اهل بیت علیهم‌السلام به سیره معصوم، از نظر کمی و کیفی، به اندازه‌ای بوده است که بتوان سیره را به عنوان یکی از منابع تشریح دانست؟ منظور از «کمیت» در اینجا تعداد و شمار استنادات بوده و مقصود از «کیفیت» نیز ویژگی استنادات از نظر هدف، روش و

۱. مقصود از «معصوم» در این تحقیق، مفهومی اعم از انبیا و اوصیاست و افزون بر چهارده معصوم علیهم‌السلام شامل انبیای پیش از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز می‌شود.

۲. شایان ذکر است که به اتفاق تمامی فقهای اسلام، بعد از قرآن کریم، «سنت» دومین منبع استنباط احکام شرعی است. قرآن، عقل و اجماع سه دلیل اصلی فقها بر حجیت «سنت» و پذیرش آن به عنوان منبع استنباط است.

قلمرو است.

در پژوهش حاضر، برای پاسخ به مسئله یادشده از روش مطالعه مروری استفاده شد؛ به این معنا که از سه ویژگی جامعه آماری، بازه زمانی و روش غربالگری بهره‌برداری شده، داده‌های موجود مورد ارزیابی قرار گرفت. از این رو تمامی متون حدیثی در کتب اربعه شیعه (نزدیک به سی هزار حدیث) مورد بررسی قرار گرفت<sup>۱</sup> و از میان آن‌ها حدود هشتاد حدیث براساس سه شاخص زیر برگزیده شد: ۱. حدیث مورد نظر گزارشگر سیره معصوم باشد. ۲. سیره معصوم مورد استناد قرار گرفته باشد (بدان ارجاع شده باشد). ۳. سیره معصوم در بردارنده آموزه‌ای فقهی باشد. سپس احادیث برگزیده براساس سؤالات زیر مورد ارزیابی قرار گرفت و در قالب سه محور اهداف، روش و قلمرو تبیین شد: ۱. علت استناد اهل بیت علیهم‌السلام به سیره در تبیین احکام شرعی چه بوده است؟ ۲. روش اهل بیت علیهم‌السلام در بهره‌گیری از سیره معصوم چگونه بوده است؟ ۳. اهل بیت علیهم‌السلام در چه موضوعاتی به سیره استناد کرده‌اند و کدام‌یک از آموزه‌های فقهی از سیره معصوم برداشت می‌شود؟

منابع اصلی پژوهش حاضر کتاب‌های حدیثی شیعه است که داده‌های مرتبط با کارکرد تشریحی سیره معصوم را در اختیار قرار می‌دهد. برای این کار، بیشتر از کتاب‌های موجود در نرم‌افزار جامع‌الأحادیث و البته در برخی موارد از مقالات و کتاب‌های پژوهشگران معاصر استفاده شد. گفتنی است بازه تاریخی منابع یادشده از قرن نخست هجری تا سال وفات شیخ طوسی (۴۶۰ق) بوده و بر پژوهش‌های محققان عرب و فارسی‌زبان تمرکز دارد.

### پیشینه پژوهش

درباره مسئله پژوهش حاضر، یعنی منبعیت سیره در تشریح، پژوهش مستقلی به دست نیامد؛ تنها در برخی آثار، نشانه‌هایی از توجه به کارکرد تشریحی سیره مشاهده شد؛

۱. از کتاب الکافی تنها مجلّدات مربوط به فروع کافی مطالعه شد و کتاب الاستبصار نیز به علت اینکه منتخب تهذیب الاحکام است، مورد مطالعه قرار نگرفت.

چنان‌که سید محمد کاظم طباطبایی در بحث «قواعد استنباط از سیره نبوی» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۴: ۲۵/۱)، بهجتی پور و یعقوب زاده در مقاله «کاربرد سیره پیامبر خدا در فقه» (بهجتی پور و یعقوب زاده، ۱۴۰۰: ۱۱۶/۹۷) و نقیبی در مقاله «سنت فعلی و سیره عملی پیامبر اکرم در استنباط احکام فقهی» (خاتمی، ۱۴۰۲: ۷۵) به تبیین برخی از مصادیق فقهی سیره معصوم پرداخته‌اند.

## ۱. مفاهیم تحقیق

### ۱-۱. کاربرد تشریحی

«کارکرد» در لغت به معنای کار کردن و عمل است و در اصطلاح به هرگونه اثر، نتیجه و پیامدی اطلاق می‌شود که نمود برونی داشته باشد. در واقع مفهوم کارکرد دارای دو مؤلفه محوری اثربخشی و تحقق خارجی است که با توجه به این دو مؤلفه می‌توان مدل معنایی کارکرد را به شکل زیر ارائه داد: اثربخشی + تحقق خارجی = کارکرد (مردانی، ۱۳۹۵: ۸). «تشریح» نیز به معنای وضع قوانین و احکام الهی از سوی خداوند یا پیامبران است (سایس، ۱۳۹۴: ۱۰). از این رو مقصود از کارکرد تشریحی، کارایی سیره معصوم در شناخت احکام شرعی و تبیین آموزه‌های فقهی است.

### ۱-۲. سیره معصوم

از بررسی کاربرد واژه «سیره» در احادیث شیعه چنین مستفاد می‌شود که این اصطلاح در ادبیات معصومین علیهم‌السلام از اوصاف مشخصی برخوردار است. این اوصاف که هم در تمایز مفهوم «سیره» از دیگر مفاهیم همانند و هم در شناخت مصادیق و نمونه‌های عینی این مفهوم به کار می‌آید، عبارت‌اند از: فعل بودن، اجتماعی بودن، روشمندی و استمرار. در واقع سیره در احادیث شیعیان فعلی اجتماعی است که از دو صفت روشمندی و استمرار برخوردار است (مردانی گلستانی و قناعتگر، ۱۴۰۴: ۵). در این معنا، سیره و سنت دو مفهوم متمایز به‌شمار می‌روند و از چهار نظر ماهیت، فاعل، کارکرد و غایت با یکدیگر

تفاوت دارند:

۱. سنت برخلاف سیره که تنها افعال معصوم را در بر می‌گیرد، قول، فعل و تقریر معصوم را نیز شامل می‌شود. ۲. سنت فقط به اقوال و افعال نبوی اطلاق می‌شود؛ ولی سیره برای اشاره به افعال همه معصومین علیهم‌السلام به کار می‌رود (طباطبایی و حکیم، ۱۳۹۴: ۱۵). ۳. قلمرو سنت برخلاف سیره که تنها به امور اجتماعی اختصاص دارد، قلمرو فردی و اجتماعی است.<sup>۲</sup> ازاین رو می‌توان نوع رابطه بین سنت و سیره را عموم و خصوص من وجه دانست؛ یعنی این دو مفهوم در برخی مصادیق (افعال رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اتحاد و در برخی دیگر (اقوال ائمه علیهم‌السلام) افتراق دارند.

## ۲. قراین منبعیت سیره معصوم

برای تحلیل یک پدیده پژوهشی، نخست باید وجود آن را در عرصه واقعی و عینی جامعه احراز کرد. این کار از طریق بررسی شواهد و نشانه‌هایی انجام می‌شود که در متون و منابع اسلامی باقی مانده است. ازاین رو باید قراین دال بر منبعیت سیره معصوم در تشریح را شناسایی کرد؛ یعنی مشخص کرد که سیره تشریحی باید از چه نشانه‌هایی برخوردار باشد تا در زمره منابع شناخت دین قرار گیرد. براین اساس، باید گفت که دو قرینه اصلی بر منبعیت سیره معصوم وجود دارد: نخست، معرفی سیره به عنوان منبع تشریح و دوم، استناد به سیره در تبیین احکام شرعی.

۱. واژه سنت در ادبیات اهل بیت علیهم‌السلام تنها به سنت نبوی اطلاق شده است و این نکته با تتبع در همه مصادیق روایی سنت قابل دریافت است؛ چنان‌که در مقاله «مفهوم‌شناسی و نسبت‌سنجی دو اصطلاح حدیث و سنت» بررسی و تبیین شده است.

۲. شایان ذکر است که از مراجعه به احادیث شیعه در موضوعاتی مانند نظافت، خوراک و پوشاک که ناظر به رفتارهای فردی معصوم هستند، روشن می‌شود که واژه «سیره» در این‌گونه موارد، در کلام معصومین به کار نرفته و نویسندگان آثار بوده‌اند که با برداشت شخصی خویش این رفتارها را سیره نامیده‌اند (محمدی ری شهری، ۱۳۹۴: ۲/۲۱۴).

## ۲-۱. معرّفی سیره به عنوان منبع تشریح

نخستین قرینه بر منبعیت سیره معصوم در تشریح، معرّفی آن از سوی رسول خدا ﷺ است؛ برای نمونه هنگامی که رسول خدا ﷺ در تشریح آموزه نماز، به رفتار خود ارجاع می دهند<sup>۱</sup> یا برای تبیین احکام حج، مسلمانان را به پیروی از عمل خویش فرامی خوانند،<sup>۲</sup> در واقع به سیره خود، به عنوان منبع شناخت احکام شرعی اعتبار می بخشند.

پیامبر ﷺ جای دیگری به صراحت سیره را در کنار سنت، به عنوان منبع تشخیص حلال و حرام الهی معرّفی کرده و با ترسیم جایگاهی مستقل برای سیره، بر حجّیت آن به عنوان منبع دریافت آموزه های شرعی صحّه می گذارند: «أَيُّهَا النَّاسُ حَلَالِي حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامِي حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَلَا وَ قَدْ بَيَّنَّهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْكِتَابِ وَ بَيَّنَّتُهُمَا لَكُمْ فِي سِيرَتِي وَ سُنَّتِي» (کراچکی، ۱۴۱۰: ۳۵۲/۱)؛ ای مردم، حلال من تا روز قیامت حلال است و حرام من تا روز قیامت حرام. آگاه باشید که خداوند عزوجل آن را در کتاب بیان کرده است و من نیز آن را در سیره و سنت خود برای شما روشن ساخته ام.

## ۲-۲. استناد به سیره در تبیین احکام شرعی

دومین قرینه بر منبعیت سیره معصوم در تشریح، استناد به سیره در تبیین احکام شرعی است. این کار که بیشتر به وسیله امامان شیعه انجام شده، پیش تر از سوی رسول خدا ﷺ نیز صورت گرفته است؛ اما تفاوت عمده آن با دوره قبل افزایش استفاده از سیره برای تبیین احکام شرعی، محوریت سیره رسول خدا ﷺ در استنادات ائمه شیعه و گوناگونی روش های استناد به سیره معصوم است.

براساس یافته های پژوهش حاضر، از مجموع ۷۷ روایتی که از استناد ائمه به سیره معصوم حکایت دارند، شش تن از امامان عليهم السلام در تبیین احکام شرعی به سیره معصوم

۱. «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹: ۱۷۰/۲).

۲. «خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكُكُمْ» (حلی، ۱۹۸۲: ۴۷۱).

استناد کرده‌اند که بیشترین استناد، با ۵۷ حدیث، مربوط به امام صادق علیه السلام بوده و کمترین میزان استناد، با یک حدیث، متعلق به امام سجّاد علیه السلام است. در این میان، سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله ۲۷ بار بیشتر از سیره دیگر معصومان مورد استناد قرار گرفته است.

برای نمونه راوی از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که از ایشان درباره مردی که دزدی کرده بود پرسیدم، حضرت فرمود: «شنیدم پدرم می‌گفت: مردی را در زمان خلافت علی علیه السلام آوردند که دزدی کرده بود، پس علی علیه السلام دست او را قطع کرد. سپس او را برای بار دوم آوردند، پس پای او را از خلاف قطع کرد. سپس برای بار سوم او را آوردند و علی علیه السلام او را در زندان حبس کرد و از بیت‌المال مسلمانان هزینه زندگی او را تأمین کرد. سپس فرمود: این همان چیزی است که رسول الله صلی الله علیه و آله انجام داده است و من خلاف او عمل نمی‌کنم» (کلینی، ۱۳۶۳: ۷/۲۲۳).

همچنین محمّد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر علیه السلام درباره مردی که بردگانی دارد و در وصیت خود آزادی یک سوم از آنان را تعیین کرده است، پرسیدم. ایشان فرمودند: «علی علیه السلام میان آنان قرعه می‌انداخت» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳/۹۴) یا عبدالرحمن بن حجاج می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره مردی پرسیدم که از شخصی مقدار معینی درهم قرض می‌گیرد و در عوض، مثقالی طلا به او بازمی‌گرداند یا مثقالی طلا قرض می‌گیرد و در مقابل درهم می‌پردازد. پس امام علیه السلام فرمودند: «اگر شرطی در میان نباشد، اشکالی ندارد و این همان فضل است. سپس فرمودند: پدرم - خدا رحمتش کند - درهم‌های کم ارزش [فسوله] قرض می‌گرفت و هنگام بازپرداخت، درهم‌های مرغوب [جلال] به قرض‌دهنده می‌داد» (کلینی، ۱۳۶۳: ۵/۲۵۴).

### ۳. ویژگی‌های سیره تشریحی

گفته آمد که تشریح و قانون‌گذاری، یکی از کارکردهای سیره معصوم در احادیث اهل بیت علیهم السلام است. در این کارکرد، سیره برای شناخت احکام شرعی و نیز برای تبیین آموزه‌های فقهی مورد استناد قرار می‌گیرد. براین اساس، سیره تشریحی (سیره در کارکرد

تشریحی) یکی از اقسام سیره معصوم است که احراز منبعیت آن باید بررسی شده و ویژگی‌هایش در قالب سه محور اهداف، روش و قلمرو مورد تبیین قرار گیرد.

### ۱-۳. اهداف استناد به سیره تشریحی

چرا اهل بیت علیهم‌السلام به جای بیان قولی احکام شرعی یا استشهاد به قرآن، به سیره معصوم استناد کرده‌اند؟ سیره معصوم چه ویژگی‌هایی داشته که اهل بیت علیهم‌السلام بخشی از آموزه‌های فقهی اسلام را بر پایه آن تبیین کرده‌اند؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها باید مواردی از استناد اهل بیت علیهم‌السلام به سیره معصوم بررسی شود تا چنانچه علت این استنادات قابل تعمیم به دیگر روایات باشد، بتوان آن را به عنوان مبنای استناد اهل بیت به سیره معرفی کرد. براین اساس با توجه به شواهد موجود در روایات اهل بیت علیهم‌السلام می‌توان گفت که مهم‌ترین اهداف ایشان از استناد به سیره معصوم به شرح زیر بوده است.

### ۱-۱-۳. تحکیم باور مخاطب

به‌طور کلی ضریب تأثیر فعل بیشتر از قول است؛ یعنی قدرت فعل، از نظر تأثیرگذاری بر مخاطب، بیشتر از قدرت قول است. از این رو گاهی معصوم برای افزایش اعتبار کلام خود و تحکیم باور مخاطب، به رفتار معصوم پیشین استناد می‌کند. این امر معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که مخاطب به علت گرایش‌های غیرشیعی، پدید آمدن شبهه ذهنی، باور به آموخته‌ای غلط یا برداشتی اشتباه در پذیرش سخن معصوم دچار تردید می‌شود. در این صورت، استناد به یک نمونه پیشین که در باورهای دینی مخاطب مورد پذیرش است، تردید را از بین برده، پذیرش سخن امام را تسهیل می‌کند.

برای نمونه هنگامی که راوی از امام رضا علیه‌السلام درباره طهارت کفش چرمی سؤال می‌کند و در این امر سخت‌گیری نشان می‌دهد، حضرت، ضمن بیان حکم موضوع، به سیره امام کاظم علیه‌السلام استناد می‌کند: «حسن بن جهم می‌گوید به امام رضا علیه‌السلام عرض کردم: من به

بازار می‌روم و خف<sup>۱</sup> می‌خرم؛ ولی نمی‌دانم که آیا از حیوان ذبح شده به صورت شرعی است یا نه؟ امام علیه السلام فرمودند: با آن نماز بخوان. عرض کردم: درباره نعل [کفش چرمی معمولی] چطور؟ فرمودند: همان حکم را دارد. گفتم: من در این مسئله دچار سخت‌گیری هستم [احساس تردید دارم]. امام علیه السلام فرمودند: آیا از کاری که امام کاظم علیه السلام انجام می‌داد، روی گردان هستی؟» (کلینی، ۱۳۶۳: ۴۰۴/۳).

در این روایت، امام رضا علیه السلام ابتدا حکم فقهی موضوع را بیان می‌کند، اما زمانی که راوی به علت سخت‌گیری ذهنی دچار تردید می‌شود، حضرت به رفتار عملی امام کاظم علیه السلام اشاره می‌کند تا راهی برای رفع وسواس و اقناع قلبی او بگشاید. این نکته نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه سیره عملی در فرایند اعتباربخشی به آموزه‌های دینی است. در واقع استناد به رفتار معصوم پیشین نه تنها تأییدی است بر سخن جاری، بلکه نقش مهمی در رفع شبهات، تصحیح باورهای نادرست و تقویت حجّیت کلام معصوم دارد.

### ۲-۱-۳. تبیین بیشتر سخن معصوم

یکی از ویژگی‌های فعل معصوم دلالت‌گری و تبیین است؛ یعنی فعل معصوم می‌تواند معنای موضوعی را معلوم کرده و جنبه‌های گوناگون آن را روشن سازد. «تبیین بیشتر» به معنای توضیح دقیق‌تر، عمیق‌تر و گسترده‌تر یک موضوع است. در این حالت، معصوم برای روشن‌تر شدن معنای سخن خویش به رفتار معصوم پیشین استناد می‌کند؛ زیرا وقتی مخاطب با شنیدن حکم یا توصیه‌ای به درک درستی از اجرای آن در زندگی واقعی نمی‌رسد، معصوم با اشاره به عمل خود یا معصوم پیشین، ابعاد اجرایی موضوع را بیان کرده، به جنبه‌های جزئی‌تری از آن می‌پردازد. همچنین استناد به رفتار معصوم موجب روشن‌تر شدن محدوده و چارچوب برخی سخنان می‌شود که ممکن است، مبهم بوده، تفسیرهای مختلفی داشته باشند؛ برای نمونه وقتی راوی درباره محدوده تبعید از امام

۱. منظور از «خف» در این روایت نوعی کفش بنددار است که نوک انگشتان از آن پیداست و می‌توان به هنگام سجده انگشتان را روی زمین گذاشت.

صادق علیه السلام می پرسد، حضرت به رفتار امیرالمؤمنین استناد می کند: «حلبی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمودند: [محدوده] تبعید از شهری به شهر دیگر است. سپس فرمودند: امیرالمؤمنین علیه السلام دو مرد را از کوفه به بصره تبعید کرد» (کلینی، ۱۳۶۳: ۷/۱۹۷).

در این روایت، امام صادق علیه السلام ابتدا حکم کلی تبعید را بیان کرده، سپس برای رفع هرگونه ابهام و تعیین دقیق محدوده آن به سیره امیرالمؤمنین علیه السلام استناد می کنند؛ زیرا ممکن است کسی پرسد که آیا تبعید به خارج از شهر هم کافی است یا فرد باید به شهر مشخصی منتقل شود؟ از این رو امام صادق علیه السلام با استناد به رفتار امام علی علیه السلام این ابهام را برطرف کرده و توضیح می دهند که تبعید نه صرف بیرون راندن فرد از محل زندگی، بلکه از شهری به شهری دیگر است. از سوی دیگر، این نکته را نیز باید در نظر داشت که چنانچه فقط به تعریف لفظی، یعنی قول امام صادق علیه السلام درباره تبعید بسنده می شد، امکان برداشت های مختلف وجود داشت؛ اما با استناد به فعل امام علی علیه السلام محدوده دقیق تبعید مشخص شد.

### ۳-۱-۳. تکریم جایگاه علمی معصوم

یکی دیگر از اهداف اهل بیت در استناد به فعل معصومین علیهم السلام تکریم جایگاه علمی و تأکید بر مرجعیت علمی ایشان است. این امر می تواند ابعاد مختلفی داشته باشد؛ چراکه دشمنان سعی در تضعیف چهره اهل بیت علیهم السلام داشتند و استناد به رفتار آنان موجب احیای شخصیت علمی شان می شد و این پیام را به جامعه منتقل می کرد که اهل بیت علیهم السلام مرجع حقیقی علم و دانش هستند و باید برای فهم صحیح احکام دین به آنان رجوع کرد. افزون بر این استناد به فعل معصوم پیشین نشان می داد که آموزه های دینی دارای نظام فکری منسجم و هماهنگی است که از معصومان پیشین به ارث رسیده و در گذر تاریخ باقی مانده است؛ برای نمونه وقتی راوی از امام صادق علیه السلام درباره حکم نماز خواندن زنان بر جنازه می پرسد، حضرت به سیره حضرت زهرا علیه السلام استناد می کند: «یزید بن خلیفه می گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی از اهل قم از ایشان پرسید: ای

اباعبدالله، آیا زنان می‌توانند بر جنازه نماز بخوانند؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که زینب، دختر پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، فاطمه علیها السلام با زنان همراه خود بیرون آمد و بر خواهرش نماز خواند» (طوسی، ۱۳۶۵: ۳/۳۳۳).

در اینجا امام صادق علیه السلام با استناد به سیره حضرت فاطمه علیها السلام نه تنها عملکرد آن حضرت را حجت شرعی می‌داند، بلکه بر جایگاه ایشان در نظام فکری شیعه نیز تأکید می‌کند. در واقع در فضایی که ممکن بود دیدگاه‌های مختلفی درباره حکم مسئله به وجود آید، امام علیه السلام با اشاره به رفتار حضرت فاطمه علیها السلام تأکید می‌کند که درک صحیح از دین فقط در پرتو مراجعه به سیره اهل بیت علیهم السلام میسر است.

#### ۳-۱-۴. ترغیب به پیروی از معصوم

از دیگر اهداف اهل بیت علیهم السلام در استناد به سیره معصوم، ترغیب مخاطب به پیروی از رفتار معصومین است. این روش نقش مهمی در فرایند رواج معارف اسلامی دارد؛ زیرا استناد به فعل معصوم موجب می‌شود که آموزه‌های دینی ملموس، کاربردی و باورپذیرتر شوند و مخاطب بتواند به جای مواجهه صرف با دستورات انتزاعی، نمونه عینی تحقق یافته آن‌ها را مشاهده کرده و در زندگی خود به کار گیرد. افزون بر این، تکرار رفتارهای معصوم به عنوان سنت‌های دینی زمینه نهادینه شدن آموزه‌های اسلامی در جامعه را فراهم می‌کند و وقتی مخاطب می‌بیند که معصوم خود نیز به آموزه‌های دینی پایبند است، انگیزه بیشتری برای تبعیت پیدا می‌کند.

نمونه‌ای از این نگاه را می‌توان در استناد امام صادق علیه السلام به سیره امیرالمؤمنین علیه السلام مشاهده کرد؛ آنجا که درباره اجرای حدود بر فردی که چندین حد شرعی بر او واجب شده، از سیره حضرت علی علیه السلام یاد می‌کنند: «عبید بن زراره از امام صادق علیه السلام درباره مردی که چندین حد شرعی بر او واجب شده و یکی از آن‌ها مجازات قتل است، نقل می‌کند که فرمود: علی علیه السلام ابتدا حدود را بر او اجرا می‌کرد، سپس او را می‌کشت. پس با علی علیه السلام مخالفت نکن» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴/۱۶۷).

در این روایت، امام صادق علیه السلام با اشاره به شیوه امیرالمؤمنین علیه السلام در اجرای حدود،

مخاطب را به پیروی از سیره ایشان دعوت کرده و مخالفت با آن را نکوهش می‌کنند. این نمونه نشان‌دهنده نقش سیره معصوم در هدایت عملی جامعه و تثبیت سیره اهل بیت علیهم‌السلام در امور شرعی است.

### ۲-۳. روش استفاده از سیره تشریحی

پرسش دیگری که در زمینه استنادات فقهی ائمه به سیره معصوم مطرح می‌شود، این است که طریقه این بهره‌گیری چگونه بوده و ایشان از چه روش‌هایی برای تبیین احکام شرعی استفاده می‌کرده‌اند. در پاسخ باید گفت که اصلی‌ترین روش اهل بیت در بهره‌گیری از سیره معصومین علیهم‌السلام، استناد یعنی ارجاع به یک منبع معتبر برای تأیید یک حکم یا نظر بوده است. به هر رو با توجه به تنوع نیازهای فقهی جامعه در دوران پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امامان شیعه برای تبیین احکام فقهی به شیوه‌های متنوعی روی آورده‌اند که در ادامه به معرفی برخی از مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود.

#### ۱-۲-۳. سؤال راوی، پاسخ امام و استناد به سیره

شیوه رایج استفاده ائمه علیهم‌السلام از سیره، ساختاری سه‌مرحله‌ای داشته و در قالب پرسش و پاسخ شکل گرفته است. در این روش، ابتدا راوی پرسشی فقهی مطرح کرده، سپس امام علیهم‌السلام پاسخ مسئله را بیان می‌فرمایند و سرانجام برای تبیین و تأیید پاسخ خویش به سیره استناد می‌کنند؛ برای نمونه هنگامی که راوی از امام صادق علیه‌السلام درباره حکم حجامت می‌پرسد، ایشان ضمن تبیین حکم موضوع، به سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استناد می‌کند: حنان بن سدیر روایت می‌کند که «ما به همراه فرقد حجام بر امام صادق علیه‌السلام وارد شدیم. فرقد به حضرت عرض کرد: فدایت شوم، من شغلی دارم و درباره آن از بیش از یک یا دو نفر سؤال کرده‌ام. آنان گفته‌اند که این کار مکروه است؛ اما من دوست دارم از شما نیز درباره آن بپرسم اگر مکروه باشد، آن را ترک می‌کنم و شغل دیگری انتخاب می‌کنم؛ چراکه من در این زمینه تابع نظر شما هستم. امام علیه‌السلام فرمودند: شغل تو چیست؟ عرض کرد: حجامت‌گری. امام علیه‌السلام فرمودند: ای برادرزاده، از درآمدت بخور، صدقه بده، از آن

برای حج استفاده کن و ازدواج نما؛ زیرا پیامبر ﷺ حجامت کرد و به حجّام مزد پرداخت و اگر این کار حرام بود، آن حضرت مزد نمی داد» (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۱۶/۵).

### ۲-۲-۳. سؤال راوی و پاسخ با استناد به سیره

در این گونه، پس از طرح سؤال از سوی راوی، امام ﷺ به جای ارائه پاسخی صرفاً گفتاری، با ارجاع به سیره معصوم ﷺ به سؤال پاسخ می دهند؛ برای نمونه هنگامی که راوی درباره شیوه توزیع گوشت قربانی از امام صادق ﷺ سؤال می کند، حضرت به جای ارائه پاسخی صریح، به سیره ائمه پیشین ارجاع می دهد: «ابوصباح کنانی می گوید: از امام صادق ﷺ درباره مصرف گوشت قربانی پرسیدم، ایشان فرمودند: علی بن الحسین [امام سجّاد] و ابوجعفر [امام باقر ﷺ] گوشت قربانی را به این صورت تقسیم می کردند که یک سوم را به همسایگان خود صدقه می دادند، یک سوم را به نیازمندان می بخشیدند و یک سوم را برای اهل خانه نگه می داشتند» (کلینی، ۱۳۶۳: ۴/۴۹۹).

دو شیوه یادشده گویاترین طریقه ای است که نقش سیره در تبیین احکام شرعی را نشان می دهد؛ زیرا وقتی امام معصوم در پاسخ سؤال شرعی راوی، به رفتار خود یا معصوم پیشین استناد می کند، درواقع به مخاطب خویش چنین القا می شود که سیره منبع اخذ حکم خداوند بوده و رفتار معصوم در انتقال آموزه های فقهی از اعتبار شرعی برخوردار است.

### ۲-۲-۳. تبیین حکم شرعی و استناد به سیره

از دیگر شیوه های استفاده ائمه ﷺ از سیره معصوم تبیین مستقیم احکام شرعی و تأیید آن حکم با سیره معصوم است؛ بدون اینکه پرسش و پاسخی صورت گیرد؛ برای نمونه امیرالمؤمنین ﷺ ابتدا درباره سنّت تحنیک (کام برداشتن نوزاد) توصیه ای بیان فرمودند، سپس برای تأکید بر صحّت این عمل، به رفتار پیامبر خدا ﷺ استناد کردند: «کام نوزادتان را با خرما شیرین کنید که رسول خدا ﷺ با حسن ﷺ و حسین ﷺ چنین کرد» (کلینی، ۱۳۶۳: ۶/۲۴).

همچنین امام صادق علیه السلام درباره حکم استفاده از پوست قربانی و دیگر فرآورده‌های غیرگوشتی آن، ابتدا توضیحاتی ارائه فرمودند، سپس به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله استناد کردند: «از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: می‌توان از پوست قربانی بهره برد و با آن وسایلی خرید؛ اما اگر به عنوان صدقه داده شود، بهتر است. سپس فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله شتری را قربانی کرد و پوست، قلاده‌ها و پوشش‌های آن را به قصابان نداد؛ بلکه همه را صدقه داد» (کلینی، ۱۳۶۳: ۵۰۱/۴).

#### ۴-۲-۳. عمل به حکم شرعی و استناد به سیره

آخرین گونه استفاده ائمه علیهم السلام از سیره معصومین، انجام فعلی مطابق با حکم شرعی و سپس استناد به سیره است؛ برای نمونه وقتی امام باقر علیه السلام برای برگزاری نماز عیدین از خانه بیرون می‌آمد، برخی از تشریفات معمول را کنار می‌گذاشت و به سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله استناد می‌کرد: «حلبی از امام صادق علیه السلام از پدرشان نقل می‌کند که هرگاه در روز عید فطر و عید قربان بیرون می‌رفت، از آوردن فرش برای نماز خودداری می‌کرد و می‌فرمود: این روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن بیرون می‌آمد تا زیر آسمان قرار گیرد. سپس پیشانی‌اش را بر زمین می‌گذاشت» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۵۰۸/۱) یا «هنگامی که اسماعیل، فرزند امام صادق علیه السلام، از دنیا رفت، امام علیه السلام کنار قبر آمدند، خود را رها کردند و نشستند. سپس فرمودند: خدا تو را رحمت کند و بر تو درود فرستد؛ اما داخل قبر نشدند و فرمودند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز همین‌گونه با فرزندش ابراهیم رفتار کردند» (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۹۳/۳).

#### ۳-۳. قلمرو کاربرد سیره تشریحی

با توجه به نقش سیره معصوم در تبیین احکام شرعی، این پرسش نیز مطرح می‌شود که اهل بیت علیهم السلام در چه مباحث و موضوعاتی به سیره معصوم استناد کرده‌اند و این استنادات چه احکامی را به دنبال داشته است؟ پاسخ به این پرسش‌ها موضوع و مدلول کارکرد تشریحی سیره را روشن ساخته و محدوده تأثیرگذاری سیره معصوم در فقه را تبیین

می‌کند.

برای پاسخ به سؤال نخست (موضوع سیره تشریحی)، تمامی احادیث منتخب بر مبنای دسته‌بندی کتاب **وسائل الشیعه** بررسی شد و هر حدیث ذیل سه عنوان مختلف قرار گرفت: عنوان کتاب مانند «کتاب الطهارة»، عنوان ابواب مانند «ابواب النجاسات» و عنوان باب مانند «بَابُ طَهَارَةِ مَا يُشْتَرَى مِنْ مُسْلِمٍ وَ مِنْ سُوقِ الْمُسْلِمِينَ». سرانجام نیز مشخص شد که استناد ائمه شیعه به سیره معصوم در بردارنده آموزه‌های فقهی ای است که از نظر «موضوع» مشتمل بر ۲۱ کتاب، ۴۴ ابواب و ۷۵ باب فقهی است (پیوست شماره ۱).

### ۱-۳-۳. موضوع احادیث سیره

دسته‌بندی احادیث فقهی معمولاً بر پایه ساختار متداول در فقه اسلامی انجام می‌شود؛ اما با توجه به کارکرد احادیث سیره در شئون مختلف زندگی، موضوعات احادیث سیره، با الهام از تبویب کتاب **وسائل الشیعه**، در چهار کلان موضوع عبادی، اقتصادی، شخصی و حکومتی تنظیم شد که هرکدام عناوین فرعی متعددی را در بر می‌گیرند:

- احکام عبادی شامل پنج ریزموضوع: ۱. طهارت. ۲. نماز. ۳. زکات. ۴. روزه. ۵. حج. احکام اقتصادی شامل پنج ریزموضوع: ۱. تجارت. ۲. مزارعه. ۳. مسابقه. ۴. احیای موات. ۵. لقطه.

احکام شخصی دارای شش عنوان فرعی: ۱. نکاح. ۲. طلاق. ۳. وصیت. ۴. عتق. ۵. صید و ذبح. ۶. خوراک.

احکام حکومتی شامل پنج موضوع: ۱. حدود. ۲. جهاد. ۳. قضا. ۴. قصاص، ۵. کفاره. با توجه به فراوانی احادیث هریک از عنوان‌های یادشده می‌توان گفت که عمده استفاده فقهی اهل بیت علیهم‌السلام از سیره معصوم مربوط به احکام عبادی و سه موضوع طهارت، صلات و حج بوده است. در مرتبه بعد، احکام اقتصادی و موضوع تجارت قرار دارد و سپس احکام شخصی و موضوع نکاح، بیشترین حجم از استنادات معصوم به سیره را تشکیل می‌دهد.

## ۲-۳-۳. مدلول احادیث سیره

با توجه به اینکه سیره در کارکرد تشریحی، به عنوان منبعی برای تبیین احکام شرعی مورد توجه قرار می‌گیرد، هریک از احادیث سیره بر حکمی شرعی دلالت دارد که می‌توان با بهره‌گیری از قواعد اصولی به استخراج آن پرداخت. براین اساس، بررسی مدلول احادیث سیره که براساس عناوین وسائل الشیعه گردآوری شده‌اند، نشان می‌دهد که این احادیث شامل دو دسته حکم شرعی وضعی و تکلیفی هستند. در این میان، احکام تکلیفی از گستردگی بیشتری برخوردار بوده و تمام اقسام پنج‌گانه احکام شرعی را در بر می‌گیرد (پیوست شماره ۲).

### ۱-۲-۳-۳. احکام وضعی

یکی از اقسام احکام شرعی، حکم وضعی است که به خودی خود تکلیفی را بر مکلف الزام نمی‌کند؛ بلکه وضعیت حقوقی یا شرعی یک شیء، عمل یا رابطه را آشکار می‌سازد. احکام وضعی شامل موارد زیر می‌شود: ۱. سبب مانند ازدواج که سبب ایجاد رابطه زوجیت می‌شود. ۲. شرط مانند شرط طهارت برای صحت نماز. ۳. مانع مانند جنون که مانع از تصرف مالی می‌شود. ۴. رخصت و عزیمت مانند قصر در نماز مسافر. ۵. صحت و فساد مانند صحت عقد در صورت رعایت شرایط.

از مجموع ۷۷ حدیث سیره، چهارده حدیث بر حکم وضعی دلالت دارد که بیشتر آن‌ها از نوع شرطیت است؛ برای نمونه سماعه نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام درباره تعداد کفن میت پرسیدم که «میت با چه چیزی کفن می‌شود؟ فرمودند: سه لباس [سه تکه پارچه] و همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله در سه لباس کفن شد: دو پارچه صحاری و یک پارچه حیره و پارچه صحاری در منطقه یمامه یافت می‌شود. همچنین امام باقر علیه السلام نیز در سه تکه پارچه کفن شدند» (طوسی، ۱۳۶۵: ۱/۲۹۱).

### ۲-۲-۳-۳. احکام تکلیفی

یکی دیگر از انواع احکام شرعی حکم تکلیفی است که به طور مستقیم به فعل

مکلفان مربوط می‌شود و بیانگر بایدها و نبایدهای شرعی است. حکم تکلیفی شامل موارد زیر می‌شود: ۱. وجوب مانند نمازهای یومیه. ۲. حرمت مانند شرب خمر. ۳. استحباب مانند نماز شب. ۴. کراهت مانند خوردن سیر پیش از ورود به مسجد، ۵. اباحه مانند راه رفتن.

از مجموع ۷۷ حدیث سیره، تعداد ۶۵ حدیث دارای حکم تکلیفی هستند که برخی از نمونه‌های آن به ترتیب کثرت از قرار زیر است:

### ۱. اباحه

در میان احکام برگرفته از احادیث سیره، اباحه جایگاه ویژه‌ای دارد و بیشترین فراوانی را در میان احکام شرعی به خود اختصاص داده است؛ به‌گونه‌ای که از مجموع ۶۵ حکم تکلیفی استخراج شده تعداد ۳۶ مورد به این حکم تعلق دارد؛ برای نمونه وقتی عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام درباره حکم جمع کردن بین نماز مغرب و عشا سؤال می‌کند، حضرت با استناد به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را جایز می‌شمارد: «شبی بارانی در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله حاضر بودم. هنگامی که نزدیک به ناپدید شدن شفق شد، اذان گفتند و اقامه کردند و نماز مغرب را خواندند. سپس به مردم فرصت دادند تا دو رکعت نافله مغرب را بخوانند. پس از آن، مؤذن در همان جای خود در مسجد ایستاد و دوباره اقامه گفت و نماز عشا را خواندند. سپس مردم به خانه‌های خود بازگشتند. من از امام صادق علیه السلام درباره این عمل پرسیدم. پس فرمود: بله، رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز چنین می‌کرد» (کلینی، ۱۳۶۳: ۲۸۶/۳).

### ۲. استحباب

حکم استحباب از نظر رتبه‌بندی پس از حکم اباحه قرار می‌گیرد و از میان ۶۵ حکم تکلیفی، یازده مورد را شامل می‌شود؛ برای نمونه وقتی عبدالرحمن بن ابی عبدالله از امام صادق علیه السلام درباره گذاشتن دست روی قبر سؤال می‌کند، امام علیه السلام ضمن استناد به رفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله نحوه انجام آن را نیز نشان می‌دهد: «از امام صادق علیه السلام درباره گذاشتن

دست بر قبر پرسیدم و علت این کار را جویا شدم. ایشان فرمودند: پیامبر خدا ﷺ پس از پاشیدن آب بر قبر فرزندش چنین کرد. سپس از ایشان پرسیدم که چگونه باید دست خود را بر قبور مسلمانان بگذارم؟ امام صادق علیه السلام با دست خود به زمین اشاره کردند، آن را بر زمین نهادند و سپس برداشتند؛ درحالی که رو به قبله بودند» (کلینی، ۱۳۶۳: ۲۰۰/۳). براین اساس، شیخ حرّ عاملی نیز به استحباب این رفتار حکم داده است (عاملی، ۱۴۰۹: ۱۹۷/۳).

### ۳. وجوب

از میان ۶۵ حکم تکلیفی، حکم وجوب نُه مورد را به خود اختصاص می‌دهد؛ برای نمونه بنا بر روایت حفص بن غیاث هنگامی که از امام صادق علیه السلام درباره نحوه تقسیم بیت‌المال سؤال می‌شود، حضرت به سیره رسول خدا ﷺ استناد کرده و از لزوم تقسیم بالسویه و برابر بین مسلمانان سخن می‌گویند: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که درباره تقسیم بیت‌المال از ایشان سؤال شد. حضرت فرمودند: اهل اسلام فرزندان اسلام هستند. من در عطا [بیت‌المال] میان آنان مساوات برقرار می‌کنم؛ اما فضایل و برتری‌های آنان بین خودشان و خداوند است. آنان را مانند فرزندان یک پدر قرار می‌دهم و هیچ‌کس را به خاطر برتری و صلاحیتش در ارث برد دیگری که ضعیف و کم‌بهره است، ترجیح نمی‌دهم. سپس فرمودند: این همان روش رسول خدا ﷺ در آغاز امرش بود» (طوسی، ۱۳۶۵: ۱۴۷/۶).

### ۴. کراهت

از دیگر انواع احکام تکلیفی کراهت است که در مجموع شش مورد از احادیث سیره شامل می‌شود؛ برای نمونه محمد بن ابی حمزه چنین نقل کرده است: «هنگامی که اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام از دنیا رفت، امام علیه السلام بر سر قبر او آمد، خود را اندکی پایین آورد و نشست. سپس فرمود: خداوند تو را رحمت کند و بر تو درود فرستد؛ اما بر قبر او فرود نیامد و فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله نیز با ابراهیم [فرزندش] چنین رفتار کرد» (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۹۳/۳). براین اساس، شیخ حرّ عاملی نیز به کراهت ورود پدر به قبر فرزندش حکم می‌کند (عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸۵/۳).

## ۵. حرمت

حکم حرمت در مقایسه با دیگر احکام تکلیفی، کمترین تعداد را در میان احادیث سیره به خود اختصاص داده است؛ برای نمونه، عبدالرحمن بن ابی عبدالله نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام درباره شخص مُحرَمی که در حال احرام بمیرد پرسیدم؛ امام فرمودند: عبدالرحمن بن حسن (فرزند امام حسن مجتبی) در منطقه اُبواء در حالی که امام حسین علیه السلام را همراهی می‌کرد و مُحرَم بود، از دنیا رفت. امام حسین علیه السلام با او همان‌گونه رفتار کرد که با میت رفتار می‌شود؛ او را غسل داد، کفن کرد و چهره‌اش را پوشاند، ولی به بدنش بوی خوش (عطر) نمالید. سپس فرمودند: این حکم در کتاب علی علیه السلام نوشته شده بود. (طوسی، ۱۳۶۵: ۳۲۹/۱) بر این اساس، شیخ حر عاملی نیز حکم به حرمت استفاده ماده خوشبو برای میت مُحرَم داده است. (عاملی، ۱۴۰۹: ۵۰۳/۲).

بر پایه آنچه آمد، می‌توان نتیجه گرفت که استنادات فقهی اهل بیت علیهم السلام به سیره معصومین بیشتر شامل احکام تکلیفی بوده و بیشترین فراوانی در این نوع از حکم نیز به ترتیب به حکم اباحه، استحباب و سرانجام واجب اختصاص دارد. این امر نشان‌دهنده کارایی گسترده سیره معصوم در بیشتر احکام شرعی و تأثیر عمیق آن در آموزه‌های فقهی است.

## نتیجه

بررسی کمی و کیفی استنادات ائمه علیهم السلام به سیره تشریحی معصوم نشان می‌دهد:

۱. سیره معصوم مانند سنت، به عنوان یکی از منابع شناخت احکام شرعی نقش ایفا می‌کند؛
۲. استفاده از سیره معصوم در فقه موجب تبیین و تعمیق برخی از آموزه‌های فقهی شیعه می‌شود؛
۳. بررسی کارکرد تشریحی سیره معصوم موجب گسترش دامنه مطالعات سیره‌پژوهی می‌شود؛
۴. بررسی کارکرد تشریحی سیره معصوم ظرفیت سیره در عرصه آموزه‌های فقهی را افزایش می‌دهد.

## بيوست شماره (١): موضوع احاديث سيره

كتاب	ابواب	باب	
كتاب الطهارة	ابواب الأسار	باب طهارة سور الجنب	
	ابواب الحيض	بَابُ جَوَازِ مُتَاوَلَةِ الْحَائِضِ الرَّجُلِ الْمَاءَ وَالْحُمْرَةَ	
	ابواب النجاسات	بَابُ طَهَارَةِ مَا يُشْتَرَى مِنْ مُسْلِمٍ وَمِنْ سُوقِ الْمُسْلِمِينَ	
	ابواب غسل الميت	ابواب غسل الميت	بَابُ جَوَازِ تَغْسِيلِ الرَّجُلِ زَوْجَتَهُ وَالْمَرْأَةَ زَوْجَهَا وَاسْتِحْبَابِ كَوْنِهِ مِنْ وَرَاءِ الثُّوبِ
			بَابُ أَحْكَامِ الشَّهِيدِ وَوُجُوبِ تَغْسِيلِ كُلِّ مَيِّتٍ مُسْلِمٍ سِوَاهُ
	ابواب الدفن	ابواب الدفن	بَابُ أَنَّ الْمُحْرِمَ إِذَا مَاتَ فَهُوَ كَالْمَجْلِيِّ لِأَنَّهُ لَا يَقْرُبُ كَافُورًا وَلَا غَيْرَهُ مِنَ الطَّيِّبِ ...
			بَابُ كِرَاهَةِ التُّزُولِ فِي قَبْرِ الْوَالِدِ خَاصَّةً وَعَدَمِ تَحْرِيمِهِ وَجَوَازِ التُّزُولِ فِي قَبْرِ الْوَالِدِ
			بَابُ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ أَنْ يُحْتَمَى الثُّرَابُ بِالْيَدِ وَظَهَرَ الْكَفَّ ثَلَاثًا وَ يُدْعَى بِالْمَأْتُورِ
			بَابُ اسْتِحْبَابِ وَضْعِ الْيَدِ عَلَى الْقَبْرِ بَعْدَ التَّضْحِ عِنْدَ الرَّأْسِ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ ...
			بَابُ جَوَازِ خُرُوجِ النِّسَاءِ فِي الْمَأْتَمِ لِقِصَاءِ الْحُقُوقِ وَالتُّذِيَةِ ...
بَابُ كِرَاهَةِ أَنْ تُتَّبَعَ الْجِنَازَةُ بِالنَّارِ وَالْمَجْمَرَةِ إِلَّا أَنْ تُخْرَجَ لَيْلًا ...			
بَابُ عَدَدِ قِطْعِ الْكَفَنِ الْوَاجِبِ وَالتَّدْبِ وَجُمْلَةٍ مِنْ أَحْكَامِهَا			
بَابُ جَوَازِ خُرُوجِ النِّسَاءِ لِلصَّلَاةِ عَلَى الْجِنَازَةِ مَعَ عَدَمِ الْمَفْسَدَةِ			
كتاب الصلاة	ابواب الميقات	بَابُ جَوَازِ الْجَمْعِ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ فِي وَفْتٍ وَاحِدٍ جَمَاعَةً وَ فُرَادَى لِعُدْرِ	
	ابواب صلاة الجمعة	بَابُ اسْتِزْرَاطِ عَدَالَةِ إِمَامِ الْجُمُعَةِ وَعَدَمِ فَسْقِهِ	
	ابواب صلاة العيد	بَابُ كَيْفِيَّةِ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ وَقِرَاءَتِهَا وَقُنُوتِهَا وَتَكْبِيرِهَا وَجُمْلَةٍ مِنْ أَحْكَامِهَا	

بابِ اسْتِحْبَابِ الْخُرُوجِ إِلَى الصَّحْرَاءِ فِي صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ ...		
بابِ اسْتِحْبَابِهَا وَكَيْفِيَّتِهَا وَجُمْلَةٍ مِنْ أَحْكَامِهَا	ابواب صلاة الإستسقاء	
بابُ جَوَازِ تَخْلِيَةِ النِّسَاءِ وَالصِّبْيَانِ قَبْلَ الْبُلُوغِ بِالذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ	ابواب أحكام الملابس	
بابُ جَوَازِ صَلَاةِ الرَّجُلِ وَإِنْ كَانَتْ الْمَرْأَةُ قُدَامَهُ أَوْ خَلْفَهُ أَوْ إِلَى جَانِبِهِ ...	ابواب مكان المصلّي	
[التهديب]: بَابُ فَضْلِ الْمَسَاجِدِ وَ الصَّلَاةِ فِيهَا وَ فَضْلِ الْجَمَاعَةِ وَ أَحْكَامِهَا	[ابواب الزیادات]	
بَابُ أَنْ وَفَتَ وَجُوبِ الْفِطْرَةِ إِذَا أَهْلَ سُؤَالَ قَبْلَ صَلَاةِ الْعِيدِ ...	ابواب زكاة الفطرة	كتاب الزكاة
بَابُ عَدَمِ وَجُوبِ الصَّوْمِ عَلَى الْوَلَدِ وَالْمَجْنُونِ وَ اسْتِحْبَابِ تَمْرِينِ الْوَلَدِ عَلَى الصَّوْمِ	ابواب من يصح من الصوم	كتاب الصيام
بَابُ اسْتِحْبَابِ الصَّدَقَةِ بِمَدٍّ أَوْ دَرَاهِمٍ عَنْ كُلِّ يَوْمٍ مِنَ الثَّلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ ...	ابواب صوم المنذوب	
بَابُ كَيْفِيَّةِ حَجِّ الصِّبْيَانِ وَالْحَجِّ بِهِمْ وَ جُمْلَةٍ مِنْ أَحْكَامِهِمْ	ابواب أقسام الحج	
بَابُ أَنْ مَنْ مَنَعَهُ الْمَرَضُ عَنْ دُخُولِ مَكَّةَ وَ الْمَشَاعِرِ وَجَبَ عَلَيْهِ بَعْتُ هَدْيٍ ...	ابواب الإحصار و الصدّ	
بَابُ جَوَازِ الْإِفَاضَةِ مِنَ الْمَشْعَرِ قَبْلَ الْفَجْرِ بَعْدَ الْوُقُوفِ بِهِ لِلْمُضْطَرِّ كَالْحَائِفِ	ابواب الوقوف بالمشعر	
بَابُ وَجُوبِ كَوْنِ الْهَدْيِ مِنَ الْإِبِلِ أَوْ الْبَقَرِ أَوْ الْغَنَمِ		كتاب الحج
بَابُ أَنْ الْهَدْيَ إِذَا نَبِجَ وَجَبَ ذَبْحُهُمَا أَوْ نَحْرُهُمَا وَ أَنَّهُ يَجُوزُ رُكُوبُهُ وَ الْحَمْلُ عَلَيْهِ ...		
بَابُ حُكْمِ أَكْلِ الْإِنْسَانِ وَ إِطْعَامِهِ وَ إِهْدَائِهِ مِنْ هَدْيِهِ الْمُنْدُوبِ وَ الْوَاجِبِ	ابواب الذبح	
بَابُ كِرَاهَةِ إِعْطَاءِ الْجَزَارِ جَلَالَ الْأَصْحَابِ وَ الْهَدْيِ وَ قَلَائِدَهَا وَ جُلُودَهَا		

باب حُكْمِ الشِّرَاءِ مِنْ أَرْضِ الخَرَاجِ وَالْعِزِيَّةِ		
باب التَّشْوِيَةِ بَيْنَ النَّاسِ فِي قِسْمَةِ بَيْتِ المَالِ وَالْعَنِيْمَةِ	ابواب جهاد العدو	كتاب الجهاد
باب أَنَّ مَنْ كَانَ لَهُ فِئَةٌ مِنْ أَهْلِ البُعْيِ وَجَبَ أَنْ يُتَّبَعَ مُدْبِرُهُمْ ...		
باب كَرَاهَةِ تَرْكِ التِّجَارَةِ	ابواب مقدماتها	
باب كَرَاهَةِ إِجَارَةِ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ وَعَدَمِ تَحْرِيْمِهَا وَأَنَّ لِلْأَجِيرِ أَنْ يَعْمَلَ لِعَیْرِ ...		
باب كَرَاهَةِ كَسْبِ الْحِجَامِ مَعَ الشَّرْطِ وَاسْتِحْبَابِ صَرْفِهِ فِي عَلْفِ الدَّوَابِّ ...		
بابُ جَوَازِ الْقَرْضِ مِنْ مَالِ الْيَتِيمِ بِنَيْتِ الْأَدَاءِ مَعَ صَرُورَةِ الْمُقْتَرَضِ أَوْ مَصْلَحَةِ ...	ابواب ما يكتسب به	
بابُ جَوَازِ بَيْعِ الفَهْدِ وَ سَبَاعِ الطَّيْرِ وَ عِظَامِ الفِيلِ وَ اسْتِعْمَالِهَا		
بابُ جَوَازِ كَسْبِ النَّائِحَةِ بِالْحَقِّ لَا بِالْبَاطِلِ ...		
بابُ جَوَازِ بَيْعِ العَصِيرِ وَ العَنْبِ وَ التَّمْرِ مِمَّنْ يَعْمَلُ خَمْرًا ...		كتاب التجارة
بابُ سُقُوطِ خِيَارِ المَجْلِسِ بِالْإِفْتِرَاقِ بِالْأَبْدَانِ وَ لَوْ بِقَصْدِ سُقُوطِهِ	ابواب الخيار	
بابُ جَوَازِ بَيْعِ الرُّطْبَةِ وَ نَحْوِهَا جِرَّةً وَ جِرَاتٍ ...	ابواب بيع الثمار	
بابُ أَنَّهُ يُجُوزُ أَنْ يَبِيعَ الشَّيْءَ بِأَضْعَافِ قِيَمَتِهِ وَ يَشْتَرِطَ قَرْضاً أَوْ تَأْجِيلَ دَيْنٍ	ابواب احكام العقود	
بابُ أَنَّهُ يُجُوزُ قَضَاءُ الدَّيْنِ مِنَ الدَّرَاهِمِ وَ الدَّنَانِيرِ وَ غَيْرِهَا بِأَجُودِ مَنِّهَا	ابواب الصرف	
بابُ جَوَازِ اقْتِرَاضِ الخُبْزِ وَ الخُزْرِ عَدَدًا	ابواب الدين و القرض	
بابُ أَنَّ العَمَلَ عَلَى العَامِلِ وَ الخَرَاجَ عَلَى المَالِكِ إِلا مَعَ الشَّرْطِ وَ حُكْمِ البَدْرِ ...	-	كتاب المزارعة
بابُ أَنَّهُ يُجُوزُ لِمَنْ اسْتَأْجَرَ الأَرْضَ أَنْ يُزَارِعَ غَبْرَهُ بِحِصَّةِ		
بابُ اسْتِحْبَابِ إِجْرَاءِ الخَيْلِ وَ تَأْدِيبِهَا وَ الاسْتِيقَاتِ	-	كتاب السبق

بَابُ أَنْ مَنْ أَوْصَى بِعِثْقِ رَقَبَةٍ أُجْرًا أَنْ تُعْتَقَ عَنْهُ جَارِيَةٌ رَجُلًا كَانَ الْمُوصِي أَوْ امْرَأَةً	-	كتاب الوصايا
بَابُ اسْتِحْبَابِهِ		
بَابُ كِرَاهِيَةِ الرَّهْبَانِيَّةِ وَ تَرْكِ النِّبَاهِ وَ كَذَا اللَّحْمِ وَ الطَّيْبِ		
بَابُ كِرَاهِيَةِ جَمَاعِ الْمَرْأَةِ وَ الْجَارِيَةِ وَ فِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ أَوْ صَبِيَّةٌ تَرَى وَ تَسْمَعُ	ابواب مقدمات النكاح	
بَابُ عَدَمِ جَوَازِ نَظَرِ الْخَصِيِّ إِلَى الْمَرْأَةِ		
بَابُ عَدَمِ كِرَاهِيَةِ التَّرْوِيجِ فِي سُؤَالِ		
بَابُ أَنْ مَنْ زَوَّجَ أُمَّتَهُ مِنْ عَبْدِهِ أَوْ غَيْرِهِ حُرْمٌ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّأَهَا أَوْ يَرَى عَوْرَتَهَا ...	ابواب نكاح العبيد و الإماء	كتاب النكاح
بَابُ اسْتِحْبَابِ تَحْنِيكِ الْمَوْلُودِ بِاللِّمَمِ وَ مَاءِ الْفُرَاتِ وَ تَرْبِيَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ	ابواب احكام الأولاد	
بَابُ مِقْدَارِ الْمُتَعَةِ لِلْمُطَلَّقةِ	ابواب المهور	
بَابُ عَدَمِ ثُبُوتِ السُّكْنَى وَ التَّفَقُّةِ لِلْمُتَوَفَّى عَنْهَا فِي الْعِدَّةِ ...	ابواب التفقات	
بَابُ جَوَازِ طَلَاقِ الزَّوْجَةِ غَيْرِ الْمُوَافَقَةِ	ابواب مقدماته و شرائطه	كتاب الطلاق
بَابُ عَدَمِ ثُبُوتِ السُّكْنَى وَ التَّفَقُّةِ لِلْمُتَوَفَّى عَنْهَا فِي الْعِدَّةِ ...	ابواب العدد	
بَابُ كِفَايَةِ شِقِّ الثَّوْبِ عَلَى الْمَيْتِ وَ حَدْشِ الْمَرْأَةِ وَجْهَهَا وَ جَزِّ شَعْرِهَا وَ نَتْفِهِ ...	ابواب الكفارات	كتاب الكفارات
بَابُ جَوَازِ عِثْقِ الْوَلَدَانِ الصِّغَارِ وَ اسْتِحْبَابِ اخْتِيَارِ عِثْقِ مَنْ أَعْنَى نَفْسَهُ	-	كتاب العتق
بَابُ أَنْ مَنْ خَافَ إِبَاقَ عَبْدِهِ أَوْ بَعِيرِهِ جَازَ أَنْ يَقْتِدَهُ وَ يَسْتَوْتِقَ مِنْهُ وَ لَا تَسْقُطُ نَفَقَتُهُ		
بَابُ إِبَاحَةِ صَيْدِ الْمَجُوسِ وَ سَائِرِ الْكُفَّارِ لِلسَّمَكِ وَ جَوَازِ أَكْلِهِ إِذَا شَاهَدَهُ الْمُسْلِمُ	ابواب الذبائح	كتاب الصيد و الذبائح
بَابُ كِرَاهِيَةِ اسْتِخْدَامِ الضَّيْفِ وَ تَمْكِينِهِ مِنْ أَنْ يَخْدُمَ	ابواب آداب المائدة	كتاب

		الأطعمة و الأشربة
بَابُ جَوَازِ بَيْعِ الْمَرْعَى الثَّابِتِ فِي الْمَلِكِ خَاصَّةً وَكَذَا الْحَصَائِدِ	-	كتاب إحياء الموات
بَابُ جَوَازِ الصَّدَقَةِ بِاللَّقْطَةِ بَعْدَ التَّعْرِيفِ وَكَذَا لَوْ فَارَقَ الْمُلْتَقِطُ وَالْمَالِكُ مَحَلَّ الِاتِّقَاطِ وَلَمْ يَعْرِفِ الْمَالِكَ وَلَا بَلَدَهُ	-	كتاب اللقطة
بَابُ الْحُكْمِ بِالْقَرْعَةِ فِي الْقَضَايَا الْمُشْكَلَةِ وَجُمْلَةٍ مِنْ مَوَاقِعِهَا وَكَيْفِيَّتِهَا	ابواب كيفية الحكم	كتاب القضاء
بَابُ حَدِّ نَفْيِ الرَّانِي		
بَابُ نُبُوتِ التَّعْزِيرِ بِحَسَبِ مَا يَرَاهُ الْإِمَامُ عَلَى الرَّجُلَيْنِ وَ الْمَرْأَتَيْنِ وَالرَّجُلِ وَالْمَرْأَةِ إِذَا وُجِدَا فِي لِحَافٍ وَاحِدٍ	ابواب حد الزنا	
بَابُ أَنْ مَنْ سَرَقَ قُطِعَتْ يَدُهُ الْيُمْنَى وَإِنْ سَرَقَ ثَانِيَةً قُطِعَتْ رِجْلُهُ الْيُسْرَى فَإِنْ سَرَقَ ثَالِثَةً سُجِّنَ مُؤَبَّدًا حَتَّى يَمُوتَ	ابواب حد السرقة	كتاب الحدود
بَابُ أَنْ أَقَلَّ مَا يُقَطَّعُ فِيهِ السَّارِقُ رُبْعُ دِينَارٍ أَوْ قِيمَتُهُ وَ يُقَطَّعُ فِيمَا زَادَ		
بَابُ أَنْ مَنْ وَجِبَ عَلَيْهِ حُدُودٌ أَحَدَهَا الْقَتْلُ حُدَّ أَوْلَاهُ ثُمَّ قُتِلَ فَإِنْ كَانَ فِيهَا قَطْعٌ قُدِّمَ عَلَى الْقَتْلِ وَأُخِّرَ عَنِ الْجَدِّ	ابواب مقدمات الحدود	
بَابُ أَنْ مَنْ أَطَّلَعَ إِلَى دَارٍ لِيَنْظُرَ عَوْرَةَ لِأَهْلِهَا فَلَهُمْ مَنْعُهُ فَإِنْ أَصَرَ فَلَهُمْ قَلْعُ عَيْنِهِ إِنْ خَفِيَ ذَلِكَ	ابواب القصاص في النفس	كتاب القصاص

## بيوست شماره (٢): مدلول احاديث سيره

موضوع	عنوان حديث	مدلول
التكفين	بَابُ عَدَدِ قَطْعِ الْكَفَنِ الْوَاجِبِ وَ التَّدْبِ	
صلاة الجمعة	بَابُ اشْتِرَاطِ عَدَالَةِ إِمَامِ الْجُمُعَةِ وَ عَدَمِ فِسْقِهِ	وضعي
صلاة العيدين	بَابُ كَيْفِيَّةِ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ وَ قِرَاءَتِهَا وَ قُنُوتِهَا وَ تَكْبِيرِهَا	

	صلاة الإستسقاء	بَابُ اسْتِحْبَابِهَا وَ كَيْفِيَّتِهَا وَ جُمْلَةٌ مِنْ أَحْكَامِهَا
	زكاة الفطرة	بَابُ أَنَّ وَثْقَ وَ جُوبِ الْفِطْرَةِ إِذَا أَهْلَ سَأَلَ قَبْلَ صَلَاةِ الْعِيدِ
	أقسام الحجّ	بَابُ كَيْفِيَّةِ حَجِّ الصَّبِيَّانِ وَ الْحَجِّ بِهِمْ وَ جُمْلَةٌ مِنْ أَحْكَامِهِمْ
	الخيار	بَابُ سُقُوطِ خِيَارِ الْمَجْلِسِ بِالْإِفْتِرَاقِ بِالْأَبْدَانِ
	المزارعة	بَابُ أَنَّ الْعَمَلَ عَلَى الْعَامِلِ وَ الْخَرَاجَ عَلَى الْمَالِكِ
	الوصايا	بَابُ أَنَّ مَنْ أَوْصَى بِعَثْقِي رَقَبَةٍ أَجْزَأُ أَنْ تُعْتَقَ عَنْهُ جَارِيَةٌ
	العتق	بَابُ أَنَّ مَنْ خَافَ إِتَاقَ عَبْدِهِ أَوْ بَعِيْرِهِ جَازَ أَنْ يُقْتِدَهُ
	كيفية الحكم	بَابُ الْحُكْمِ بِالْقُرْعَةِ فِي الْقَضَايَا الْمُسْكَلَةِ
	حدّ الزنا	بَابُ حَدِّ نَفْسِي الرَّانِي
	حدّ السرقة	بَابُ أَنَّ أَقْلَ مَا يُقْطَعُ فِيهِ السَّارِقُ رُبْعَ دِينَارٍ أَوْ قِيَمَتُهُ
تكليفى (وجوب)	الإحصار و الصدّ	بَابُ أَنَّ مَنْ مَنَعَهُ الْمَرْضُ عَنْ دُخُولِ مَكَّةَ وَ الْمَشَاعِرِ ...
	الذبح	بَابُ وَجُوبِ كَوْنِ الْهَدْيِ مِنَ الْإِبِلِ أَوْ الْبَقَرِ أَوْ الْغَنَمِ
	جهاد العدو	بَابُ التَّسْوِيَةِ بَيْنَ النَّاسِ فِي قِسْمَةِ بَيْتِ الْمَالِ وَ الْعَنِيْمَةِ
	التفقات	بَابُ أَنَّ مَنْ كَانَ لَهُ فِئَةٌ مِنْ أَهْلِ الْبَيْعِ وَجَبَ أَنْ يُتْبَعَ مُدْبِرُهُمْ
	حدّ السرقة	بَابُ عَدَمِ ثُبُوتِ السُّكْنَى وَ التَّنْفِقَةِ لِلْمُتَوَفَّى عَنْهَا فِي الْعِدَّةِ ...
	الحدود	بَابُ أَنَّ مَنْ سَرَقَ قُطِعَتْ يَدُهُ الْيُمْنَى وَ إِنْ سَرَقَ ثَانِيَةً قُطِعَتْ
	حدّ الزنا	بَابُ أَنَّ مَنْ وَجَبَ عَلَيْهِ حُدُودُ أَحَدِهَا الْقَتْلُ ...
تكليفى (حرمّت)	غسل الميت	بَابُ أَنَّ الْمُحْرِمَ إِذَا مَاتَ فَهُوَ كَالْمُحَلِّ ...
	نكاح الإمام	بَابُ أَنَّ مَنْ زَوَّجَ أُمَّتَهُ مِنْ عَبْدِهِ أَوْ غَيْرِهِ حُرِّمَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّأَهَا
تكليفى (استحباب)	الدفن	بَابُ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ أَنْ يُحْتَمَى التُّرَابُ بِالْيَدِ وَ ظَهَرَ الْكُفُّ ثَلَاثًا
	صلاة العيد	بَابُ اسْتِحْبَابِ وَضْعِ الْيَدِ عَلَى الْقَبْرِ بَعْدَ النَّضْحِ عِنْدَ الرَّأْسِ
	الزيادات	بَابُ اسْتِحْبَابِ الْخُرُوجِ إِلَى الصَّخْرَاءِ فِي صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ
	من يصح الصوم	بَابُ فَضْلِ الْمَسَاجِدِ وَ الصَّلَاةِ فِيهَا وَ فَضْلِ الْجَمَاعَةِ
	صوم المندوب	بَابُ عَدَمِ وَجُوبِ الصَّوْمِ عَلَى الظُّفْلِ وَ الْمَجْنُونِ ...
		بَابُ اسْتِحْبَابِ الصَّدَقَةِ بِمُدٍّ أَوْ دِرْهَمٍ عَنْ كُلِّ يَوْمٍ مِنَ الثَّلَاثَةِ

	باب حُكْمِ أَكْلِ الْإِنْسَانِ وَإِطْعَامِهِ وَإِهْدَائِهِ مِنْ هَدْيِهِ	الذبح
	بابِ اسْتِحْبَابِ إِجْرَاءِ الْحَيْلِ وَتَأْدِيبِهَا وَالِاسْتِيقَابِ	السبق والرماية
	بابِ اسْتِحْبَابِهِ [ازدواج]	مقدمات النكاح
	بابِ اسْتِحْبَابِ تَحْنِيكِ الْمَوْلُودِ بِالْتَّمْرِ وَمَاءِ الْفُرَاتِ وَتُرْبَةِ	احكام الأولاد
	بابِ مِقْدَارِ الْمُتَمَتِّعَةِ لِلْمُطَلَّقَةِ	المهور
	بابِ كِرَاهَةِ التَّزْوِيلِ فِي قَبْرِ الْوَالِدِ خَاصَّةً وَعَدَمِ تَحْرِيمِهِ	الدفن
	بابِ كِرَاهَةِ إِعْطَاءِ الْجَزَّارِ جَلَالَ الْأَصَاحِي وَالْهَدْيِ	الذبح
	بابِ كِرَاهَةِ تَرْكِ التِّجَارَةِ	مقدمات التجارة
تكليفي (كراهت)	بابِ كِرَاهِيَةِ الرَّهْبَانِيَّةِ وَتَرْكِ الْبَاهِ وَكَدَّ اللَّحْمِ وَالطَّيْبِ	مقدمات النكاح
	بابِ كِرَاهَةِ جِمَاعِ الْمَرْأَةِ وَالْجَارِيَةِ وَفِي الْبَيْتِ صَبِيٍّ	آداب المائدة
	بابِ كِرَاهَةِ اسْتِخْدَامِ الصَّنِيفِ وَتَمَكِينِهِ مِنْ أَنْ يَخْدُمَ	الأسار
	بابِ ظَهَارَةِ سُورِ الْجُنُبِ	الحيض
	بابِ جَوَازِ مُنَاوَلَةِ الْحَائِضِ الرَّجُلِ الْمَاءَ وَالْحُمْرَةَ	النجاسات
	بابِ ظَهَارَةِ مَا يُشْتَرَى مِنْ مُسْلِمٍ وَمِنْ سُوقِ الْمُسْلِمِينَ	غسل الميت
	بابِ جَوَازِ تَغْسِيلِ الرَّجُلِ زَوْجَتَهُ وَالْمَرْأَةَ زَوْجَهَا	الدفن
	بابِ أَحْكَامِ الشَّهِيدِ وَوُجُوبِ تَغْسِيلِ كُلِّ مَيِّتٍ مُسْلِمٍ سِوَاهِ	صلاة الميت
	بابِ جَوَازِ خُرُوجِ التِّسَاءِ فِي الْمَأْتَمِ لِقِضَاءِ الْحُقُوقِ وَالتَّنْذِيَةِ	الميقات
	بابِ كِرَاهَةِ أَنْ تُشْبِعَ الْجَنَازَةَ بِالنَّارِ إِلَّا أَنْ تُخْرَجَ لَيْلًا	الملابس
	بابِ جَوَازِ خُرُوجِ التِّسَاءِ لِلصَّلَاةِ عَلَى الْجَنَازَةِ	مكان المصلّى
	بابِ جَوَازِ الْجَمْعِ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ جَمَاعَةً	وقوف المشعر
	بابِ جَوَازِ تَحْلِيَةِ التِّسَاءِ وَالصَّبِيَّانِ قَبْلَ الْبُلُوغِ بِالذَّهَبِ	الذبح
	بابِ جَوَازِ صَلَاةِ الرَّجُلِ وَإِنْ كَانَتِ الْمَرْأَةُ قُدَّامَهُ أَوْ خَلْفَهُ	جهاد العدو
	بابِ جَوَازِ الْإِفَاضَةِ مِنَ الْمَشْعَرِ قَبْلَ الْفَجْرِ بَعْدَ الْوُفُوفِ بِهِ	ما يكتسب به
	بابِ أَنْ الْهَدْيِ إِذَا نَتَجَ وَجِبَ ذَبْحُهُمَا أَوْ تَحْرِيْمُهُمَا	
	بابِ حُكْمِ الشِّرَاءِ مِنْ أَرْضِ الْخَرَاجِ وَالْجِزْيَةِ	
	بابِ كِرَاهَةِ إِجَارَةِ الْإِنْسَانِ نَفْسُهُ وَعَدَمِ تَحْرِيمِهَا	
تكليفي (اباحه)		

بابُ كَرَاهَةِ كَسْبِ الْحَتَمِ مَعَ الشَّرْطِ وَ اسْتِحْبَابِ صَرْفِهِ	
بابُ جَوَازِ الْقَرْضِ مِنْ مَالِ الْيَتِيمِ بِنَيْتِهِ الْأَدَاءِ مَعَ صُرُورَةٍ	
بابُ جَوَازِ بَيْعِ الْفَهْدِ وَ سِبَاعِ الطَّيْرِ وَ عِظَامِ الْفِيلِ	
بابُ جَوَازِ كَسْبِ النَّائِحَةِ بِالْحَقِّ لَا بِالْبَاطِلِ ...	
بابُ جَوَازِ بَيْعِ الْعَصِيرِ وَ الْعِنَبِ وَ التَّمْرِ مِمَّنْ يَعْمَلُ حُمْرًا ...	
بابُ جَوَازِ بَيْعِ الرِّطْبَةِ وَ نَحْوِهَا جِزَّةً وَ جِزَاتٍ وَ وَرَقِ الْحَتَاءِ	بيع الثمار
بابُ أَنَّهُ يُجُوزُ أَنْ يَبِيعَ الشَّيْءَ بِأَضْعَافِ قِيَمَتِهِ وَ يَشْتَرِطَ قَرْضاً	احكام العقود
بابُ أَنَّهُ يُجُوزُ قَضَاءُ الدَّيْنِ مِنَ الدَّرَاهِمِ وَ الدَّنَانِيرِ وَ غَيْرِهَا	الصرف
بابُ جَوَازِ اقْتِرَاضِ الْحُبْرِ وَ الْجُوزِ عَدَدًا	الدين والقرض
بابُ أَنَّهُ يُجُوزُ لِمَنْ اسْتَأْجَرَ الْأَرْضَ أَنْ يُزَارِعَ غَيْرَهُ بِحِصَّةٍ	المزارعة
بابُ عَدَمِ جَوَازِ نَظَرِ الْخَصِيِّ إِلَى الْمَرْأَةِ	النكاح
بابُ عَدَمِ كَرَاهَةِ التَّزْوِيجِ فِي سُؤَالٍ	
بابُ عَدَمِ ثُبُوتِ السُّكْنَى وَ التَّفَقُّةِ لِلْمُتَوَفَّى عَنْهَا فِي الْعِدَّةِ	الطلاق
بابُ جَوَازِ طَلَاقِ الرَّؤُوجَةِ غَيْرِ الْمُؤَافَقَةِ	
بابُ كَفَّارَةِ سَقِّ الثَّوْبِ عَلَى الْمَيِّتِ وَ حَدْشِ الْمَرْأَةِ وَجْهَهَا	الكفارات
بابُ جَوَازِ عَثْقِ الْوِلْدَانِ الصِّغَارِ	العتق
بابُ إِبَاحَةِ صَيْدِ الْمَجُوسِ وَ سَائِرِ الْكُفَّارِ لِلسَّمَكِ	الصيد والذبائح
بابُ جَوَازِ بَيْعِ الْمَرْعَى النَّابِتِ فِي الْمِلْكِ خَاصَّةً	إحياء الموات
بابُ جَوَازِ الصَّدَقَةِ بِاللَّقْطَةِ بَعْدَ التَّعْرِيفِ	اللقطة
بابُ أَنَّ مَنْ أَطْلَعَ إِلَى دَارٍ لِيَنْظُرَ عَوْرَةَ لِأَهْلِهَا فَلَهُمْ مَنَعُهُ	القصاص

## منابع

۱. ابن بابويه، محمد بن علی، کتاب من لایحضره الفقیه، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۳ق.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مشابیه القرون و مختلفه، دار البیدار للنشر، قم، ۱۳۶۹ق.
۳. بهجتی پور، زهرا و هادی یعقوب زاده، «کاربرد سیره پیامبر خدا ﷺ در فقه»، میقات حج، دوره سی ام، شماره ۱۱۸، آبان ۱۴۰۰ش.
۴. حلی، حسن بن یوسف، نهج الحق و كشف الصدق، دار الکتاب اللبنانی، بیروت، ۱۹۸۲م.

۵. خاتمی، سید احمد، در سایه پیامبر ﷺ (مجموعه مقالات سیره نبوی)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۴۰۲ ش.
۶. سایس، محمدعلی، تاریخ فقه اسلامی از دیدگاه اهل سنت، نشر احسان، تهران، ۱۳۹۴ ش.
۷. طباطبایی، سید محمدکاظم و سید محمدحسن حکیم، «مفهوم‌شناسی و نسبت‌سنجی دو اصطلاح حدیث و سنت»، حدیث حوزه، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش.
۸. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۹. عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسه آل‌البتیت، قم، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۰ ق.
۱۱. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۱۳. محمدی ری‌شهری، محمد، سیره پیامبر خاتم ﷺ، دارالحدیث، قم، ۱۳۹۴ ش.
۱۴. مردانی گلستانی، مهدی و مصطفی قناعتگر، «مفهوم‌شناسی سیره در احادیث شیعه براساس مدل شباهت خانوادگی»، علوم قرآن و حدیث، بهار و تابستان ۱۴۰۴ ش.
۱۵. مردانی، مهدی، «نظریه توسعه کارکرد فعل معصوم در استنباط آموزه‌های دینی»، رساله دکتری، دانشگاه قرآن و حدیث قم، ۱۳۹۵ ش.